



کریم امامی

بازار گرم رمان

و خانمهای رمان خوان

طول می کشد تا تماما " به فروش برسد. جواب این بود: " فارغ التحصیلان دبیرستانها و دانشکده ها فرصت ندارند، سرشان طور دیگری گرم می شود. خواندن کتاب را برای سرگرمی هنوز کشف نکرده اند " و ما از خودمان می پرسیدیم سنتی که در کشورهای مغرب زمین پیش از اختراع سینما و رادیو و تلویزیون برای کتابخوانی پدید آمد، چگونه امکان دارد با وجود رواج رادیو و تلویزیون در کشور ما پا بگیرد؟

و بعد شد آنچه شد. در میان آن تغییر و تحولات و دگرگون شدن ارزشها کتاب حیات تازه ای یافت و خواندن کتاب برای خودش کاری شد. رمان و رمانهای تاریخی برای خانمها، خاطرات و شرح حال برای آقایان، دفترهای شعر برای جوانها و متون فارسی برای همه. اما رمان کم کم جای بیشتری برای خودش باز کرد و خواندن رمان کاری شد برای همه. مبتلایان خانواده. رمان ایرانی هم در این سالها به بلوغ رسید.

مهمترین رمان سالهای اخیر البته حماسه ۱۵ جلدی کلیدر (محمود دولت آبادی) است. چهار جلد آن در سالهای پیش از انقلاب منتشر شده و حتی یکی دو بار هم تجدید چاپ شده بود. بعد در سال ۱۳۶۳ تمام ده جلد یکجا به خریداران عرضه گردید، به اضافه شش جلد

و غرض توفان (الکساندر دوما / ذبیح الله منصور) را می خواهند، اگرچه از زیر سنگ پیدا شود، و شوی بیچاره سرانجام کتاب را پیدا می کند، نه از زیر سنگ که از زیر میز، به بهای ناقابل سه هزار تومان، آن هم دست دوم ولی تمیز. کسی که به این مجموعه ده جلدی با حروفچینی عهد بوقی و چاپ افتضاح و کاغذ بد و صحافی سرهمبندی شده، آن نگاه کند و از خودش بپرسد این سه هزار تومان پول چه چیز آن است اشتباه می کند. سه هزار تومان ارزش سرگرم کنندگی و جاذبه، محتوای کتاب است، جاذبه ای که می تواند خواننده را از چهار دیواری تنگ خانه آزاد کند و به فراسوی زمانها و مکانهای حاضر بفرستد. نیروی مغناطیسی رمان را دست کم نگیرید. خواننده ها را خانه نشین می کند و به دنبال آنان، ناشران در تکاپو تا رمانهای قطور و پر جاذبه را بیابند و به چاپ بپردازند.

رونق کتابخوانی البته یکی از پدیده های سالهای بعد از انقلاب است که چند و چون آن را جامعه شناسان باید بشکافند. دردوران پیشین ما از خود می پرسیدیم چطور است که افزایش تعداد باسوادان مصرف کتاب را افزایش نمی دهد و تیراژ دو هزار نسخه، چاپ اول یک رمان خوب و معرفی شده باز هم چندسال

بسیاری از کتابفروشان، تا روزی که سرانجام بیوغ تخفیف فروش ده درصد را از گرده خود فرو افکندند و توانستند به اندازه پنج درصد تخفیف اضافی احساس گشادگی و راحتی کنند، بقای خود را در این سالهای سختی و کمبود مدیون صاحبان آثار واقعا " پر فروش هستند، کسانی چون کدبانوی هنرمند رزا منتظمی یا راوی ماضی ذبیح الله منصور یا خوشنویسان چیره دست کیخسرو خروش و غلامحسین امیرخانی یا نویسندگان توانا محمود دولت آبادی و اسماعیل فصیح و جمعی از این دست که تجدید چاپهای نامنظم کتابهایشان عطش خواستاران را فرو نمی نشاند و تقاضا به اندازه ای زیاد است که هر کتاب می تواند تا دو سه برابر بهای رسمی روی جلد هم فروش برود. ماهه تفاوت، اختلاف بین بهای پشت جلد و بهای آزاد، در واقع سوپرسیدی است که برخی از کتابفروشان مفلوک به لطف وجود چنین آثاری از بعضی کتابدوستان مرفه اخذ می کنند. گفتیم برخی و نه همه کتابفروشان، چون هستند برخی دیگر از فروشندگان کتاب که با تکیه بر موقعیت ممتاز خود با استواری هرچه تمامتر از بهای رسمی عدول نمی کنند. پایدار باشند.

و اما سهم خانمهای رمان خوان را در این میان فراموش نکنیم. ده جلد ژوزف بالسامو

آخر در یک بسته با عنوان "دوره تکمیلی" برای کسانی که قبلاً "چهار جلد اول را خریده بودند".

ناشر در مورد "دوره تکمیلی" اشتباهی کرد، یعنی بیست هزار دوره آن را که معادل سرجمع تیراز چاپهای قبلی چهار جلد اول بود برای فروش آماده ساخت، اما شش هفت هزار دوره تکمیلی بیشتر به فروش نرسید. در عوض فروش دوره کامل با شدت ادامه یافت و از آن پس تا مدتی کار ناشر افزودن چهار جلد اول به دوره‌های تکمیلی و درآوردن آنها به شکل دوره کامل بود. ناشر هنوز از خودش می پرسد آن چهارده هزار نفری که قبلاً "چهار جلد اول را خریده بودند پس چرا مجلدات باقی مانده" رمان را نخواستند؟ درسی که از این نکته می توان گرفت این است که بازار کتاب جایی است با گرایشهای متغیر که به یک حال نمی ماند، خریداران مرتباً "عوض می شوند و پسندشان هم پیوسته تغییر می کند، مخصوصاً در مورد کتابهایی که ناگهان "مد" می شوند، این احتمال وجود دارد که به همان سرعت هم ناگهان از "مد" بیفتند.

خواندن تمام ۲۸۵۰ صفحه کلیدر البته نفس می خواهد. من خود مدتی دورخیز کردم تا سرانجام پا در پهنه پر نشیب و فرار آن گذاشتم و در واقع سه ماه گذشت تا به پایان غم انگیز راه رسیدم. خانمها معمولاً با شوق و ذوق بیشتری خواندن کلیدر را آغاز می کنند و با سرعت بیشتری هم جلو می روند. تعداد خانمهایی که رمان را تا آخر خوانده اند کم نیست. و حتی هستند خوانندگانی که آن را دوبار یا بیشتر خوانده اند. و البته هستند کسانی که حتی جلد اول را هم تمام نکرده اند. در کتابفروشی قسمتی از گفتگوها از همین مقولات است.

در هر حال کلیدر رمان بزرگ و مطرح دوران حاضر صاحب چند رکورد است: رکورد طولانی ترین رمان جدی معاصر، رکورد فروش در جمع آثار داستانی فارسی (اجازه بدهید فروش درازمدت کتابهایی چون هنر آشپزی و فرهنگهای انگلیسی حمیم و آریان پور و دیوانهای بزرگترین شاعران کهن و معاصر و کتابهای مذهبی را وارد این مقایسه نکنیم). فروش کلیدر تا امروز یقیناً از سی هزار دوره گذشته است و حق التالیف آن باید برای خودش رقمی باشد. اما (و این امای سهمی است) نویسندگانی که پانزده سال از بهترین سالهای عمر خود را صرف پدید آوردن چنین اثری کرده است امروزه حق التالیف کلیدر را با چه کالایی می تواند مبادله کند که موجب رفاه خانواده اش باشد؟ یک آپارتمان کوچک در یکی از شهرکهای حومه یا نصف یک آپارتمان متوسط در خود تهران. این جواب را به خاطر بسپارید تا آن را با مورد مشابهی در سالهای پیش از انقلاب مقایسه کنیم. در اوایل دهه ۵۰ یک ناشر، علاقه مند و متمکن یک میلیون تومان به

یک نویسنده و مترجم پسر طرفدار پرداخت (اجازه بدهید اسم ناشر و مترجم کوشا را بیاورم) و حقوق نشر همه آثار او را یکجا خرید. این معامله در همان زمان هم برای صاحبان قلم رشک انگیز بود ولی باز چیزی بیشتر از یک خانه کوچک نصیب قلمزن خوشبخت نمی کرد. پس معادله تغییر چندانی نکرده است، هنوز هم نصیب محبوب ترین نویسندگان ما از نعمات مادی جامعه کمتر از سهم صاحبان بسیاری حرفه ها و مشاغل دیگر است. و اما اسماعیل فصیح. در سالهای پس از

● رونق کتابخوانی یکی از پدیده های سالهای بعد از انقلاب است که چند و چون آن را جامعه شناسان باید بشکافند.

● فروش کلیدر تا امروز یقیناً از ۳۰ هزار دوره گذشته است.

● کلیدر صاحب چند رکورد است: رکورد طولانی ترین رمان جدی معاصر و رکورد فروش در جمع آثار داستانی فارسی.

انقلاب فصیح سه رمان به بازار عرضه کرده است: ثریا در اغما، درد سیلوس، و زمستان ۶۲. کمبود کاغذ و مشکلات دیگر از تجدید چاپ سریع و مکرر این کتابها جلوگیری کرده اند، و این سه رمان هنوز به تیراز واقعی خود نرسیده اند. فصیح از سال ۱۳۴۷ که اولین رمان خود شراب خام را منتشر کرد جزء قصه نویسهای با استعدادتر معاصر قرار گرفت، هر چند که به علت فقدان "واقعگرایی اشتراکی" آثارش مورد لطف و عنایت منتقدان نبود. ولی علاقه مندان داستان و خوانندگان بی ریا همیشه در برابر داستانهای کوتاه و بلند فصیح واکنشهای مثبت از خود نشان داده اند چون حسن بزرگ داستانهای فصیح برخوردار از کشش داستانی است و این حسن (که به نظر نویسنده این سطور لازمه هر داستان و رمان موفق است) در همه رمانهای معاصر فارسی به یکسان وجود ندارد.

در ثریا در اغما فصیح گذشته را با زمان حال پیوند داد، از جنگ ایران و عراق نوشت، به پاریس سفر کرد و از زندگی مهاجران کافه نشین صحنه هایی را ترسیم نمود. و این همه را به مدد کالبد نیمه جان یک بیمار سمبولیک بر روی تخت بیمارستان بهم پیوند داد. فصیح نشان داد که در شرایط جدید هم از

زمان حال و مسائل مطرح می توان نوشت و این کار را در زمستان ۶۲ نیز تکرار کرد و همین جرئت و جسارت است که کتابهایش را برای خوانندگان نسلهای حاضر بر حاذبه ترمی سازد. هر چند که خوانندگان آینده ممکن است از رمانهای او به همین اندازه لذت نبرند و ضعفهای رمانها از نظر ساخت و پرداخت را بیشتر حس کنند.

ثریا در اغما به انگلیسی هم ترجمه شد و در گوشه هایی از بازار کتاب کشورهای انگلیسی زبان خریداران و خوانندگانی یافت.

جدیدترین رمان مطرح فارسی طوبیا و عنای شب (شهرنوش پاریسی پور) است که در مدت کوتاهی دوبار تجدید چاپ شده (جمعاً با تیراژی بیشتر از بیست هزار نسخه) و هم اکنون در آستانه چهارمین چاپ قرار دارد. قهرمان رمان یک زن قاجاری است که عمر طولانی و از دوران شاه شهید تا پایان سلطنت شاه مخلوع ادامه می یابد و آدمهای کتاب در سیلان حوادث گوناگونی که در این سالها بر میهن ما گذشته است سرنوشتهای متفاوتی پیدا می کنند. خانمها مخصوصاً از خوانندگان بر حرارت تر طوبیا هستند و تا کتاب تجدید چاپ نشده بود و موجودی آن همان یک هزار و پانصد نسخه چاپ اول بود همه کتابفروشیهای ایران را برای یافتن آخرین نسخه های بازمانده کتاب زیر پا گذاشتند. شهرنوش پاریسی پور نویسنده تازه کاری نیست. او هم اقلان سه چهار اثر منتشر شده پشت سر طوبیا دارد و یقیناً از این پس (حالا که نشان داده است یک داستان نویس جدی است) رمانهای بیشتری از او خواهیم دید و نیز حتماً شاهد تجدید چاپ آثار قبلی او (آویزه های بلور، سگ و زمستان بلند) خواهیم بود.

کارنامه رمان ایرانی بعد از انقلاب البته پهلین چند رمان پر فروش محدود نمی شود. فهرست را کاملتر کنیم: رازهای سرزمین من (براهنی)، داستان یک شهر و زمین سوخته (احمد محمود)، بادها خبر از تغییر فصل می دهند (جمال میرصادقی)، شلغم، میوه بهشته و سیندخت (افغانی)، دال (گلادریه ای)، شهربندان (مجابی)، دره، جذامیان (میشاق امیرفجر)، باغ بلور (مخلفاف)، سفر کسرا (جعفر مدرس صادقی)، کتاب آدمهای غایب (تقی مدرس)، چراغانی در یاد (احمد آقایی). این صورت را باز هم می توانیم ادامه بدهیم ولی مجال پرداختن به تک تک کتابها را نداریم.

بازار رمانهای ترجمه شده هم گرم شده است. روایتیهای ذبیح الله منصوری از رمانهای تاریخی معروف و غیر معروف به کنار (چون این کتابها مقوله خاصی را تشکیل می دهند که نویسنده حاضر پیشتر مفصلاً به آن پرداخته است و هر چه بیشتر بگوید حمل بر خبث طینت خواهد شد) تعداد فزاینده ای از رمانهای پرماجرایی قطور به بازار آمده، کشف شده و

آثار مارکز از مسیر زبانهای دوم متفاوتی چون ایتالیایی (صدسال تنهایی و پاییز در سالار توسط بهمن فرزانه) و فرانسه و انگلیسی به فارسی برگردانده شده . اما کتابهای مارکز مدتهاست تجدید چاپ نشده اند و قفسه کتابفروشیها از مارکز خالی است . نویسنده مکزیکی کارلوس فونتنس هم بازار گرمی دارد و یک اثر تازه از او در اسفندماه به بازار آمد (اغورا ترجمه عبدالله کوثری) . تازه ترین ستاره در این جمع خانم ایزابل آئنده (یا به صبط دقیق تر آئنده) نویسنده شیلیایی است

● خوانندگانی بی‌ریا همیشه در برابر داستانهای کوتاه و بلند اسماعیل فصیح و اکنشهای مثبت از خود نشان داده اند ، چون حسن بزرگ داستانهای فصیح برخوردار از کشش داستانی است .

● جدیدترین رمان مطرح فارسی طویا و معنای شب است که در مدت کوتاهی دوبار تجدید چاپ شده (با تیراژ بیش از ۳۰ هزار نسخه) و هم اکنون در آستانه چهارمین چاپ قرار دارد .

● ناشران رمانهای واقعا " پرفروش می‌توانند به تیراژ بالقوه ۳۰ تا ۵۰ هزار نسخه چشم بدوزند و اگر بتوانند کتاب را در قطع جیبی یا جیب پالتویی تجدید چاپ کنند ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نسخه آن را هم در قطع جیبی بفروشند .

که خوانندگان فارسی زبان حالا دارند خانه اشباح او را (برگردان به فارسی از مسیّر آلمانی به کوشش عبدالرحمن صدریه) مژه مژه می‌کنند . در جمع رمان نویسهای کشورهای دیگر که آثارشان در این سالها به وفور به فارسی ترجمه شده یا شار کمال نویسنده کشور همسایه را فراموش نکنیم . رمانها و داستانهای او همه از زبان اصلی ترجمه می‌شوند (به لطف مترجمانی چون سیدحسینی) و انبوه طرفداران خود را هم دارد . اما گرایش در مورد ترجمه رمانهای کلاسیک همسایه شمالی ما معکوس شده است .

نایاب گشته اند ، عناوینی چون دلدادگان دلباخته (دیان پیرون / عباس داوری) ، آنها که دوست دارند (ایروینگ استون / فریدون گیلانی) شمال و جنوب (جان جیکس / صدارتی شکرخواه) ، و اخیرا " مرغان شاخسار طرب (مکالو / فرشته طاهری) . در مقایسه بعضی از رمانهای چندجلدی دوران پیشین چون دن آرام (شولوخف / به آذین) و جان شیفته (رومن رولان / همان مترجم) ، از داغی افتاده اند و در سالهای اخیر هم تجدید چاپ شده اند .

در این چند سال عنایت بیشتری به رمانهای کلاسیک انگلیسی مشاهده می‌شود . تجدید چاپ نسبتا " مرتب رمانهای چارلز دیکنز و ارائه ترجمه های چاپ اول از آثار برخی نویسندگان معروف دیگر چون تام جونز (هنری فیلدینگ / احمد کریمی حکاک) ، تنس دوربرویل (توماس هاردی / " سیروان آزاد ") ، جودگنمان (همان نویسنده / همان مترجم) ، بازار خودفروشی (ویلیام نگری / منوچهر بدیعی) ، آسیاب کنار فلوس (جورج الیوت / ابراهیم یوسنی) / و ادامه عنایت به نویسندگان معاصرتر انگلیسی چون گراهام گرین و سامرست موم ، نویسندگان آمریکایی هم در این میان سهی دارند ولی کمتر از انگلیسی ها . سینکлер لويس در این میان باید آدم خوشبختی باشد که ناگهان پس از سالها کم لطفی دو مترجم قابل (منوچهر بدیعی و فضل الله نیکابین) هر کدام جداگانه به سراغ کتاب بیبت / بابیت او رفته اند .

در جمع نویسندگان آلمان هرمان هسه هنوز از محبوبیت فراوانی برخوردار است و رگه عرفانی او ظاهرا " برگ برنده ای است . در حدی که در غیبت ترجمه های بهتری که از اصل آلمانی آثار او به فارسی شده بوده و در سالهای اخیر تجدید چاپ نشده اند مثل دیمان و تریکن و زرین دهن (سروش حبیبی) ترجمه های انجام گرفته از انگلیسی و یا رونیسی شده از فارسی به وفور به بازار فرستاده شده اند . جدیدترین ترجمه از هرمان هسه بازی مهره های شیشه ای است که توسط مترجم محرب پرویز داریوش بازار مسیر زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شده .

و اما این روزها بازار رمان نویسهای آمریکایی لاتین در همه جا داغ است و ایران هم از این مقوله جدا نیست . گارسیا مارکز تقریبا " همه آثارش به فارسی ترجمه شده است جز آخرین اثر او عشق در سالهای وپا که هر چند پیش از یک مترجم به آن پرداخته اند ولی آئنده " نشر آن نامعلوم است . در مورد آثار مارکز و دیگر اسپانیایی نویسان آمریکای جنوبی ظاهرا " نباید توقع ترجمه از زبان اصلی را داشته باشیم (البته تعداد روزافزونی ایرانی اسپانیایی دان وجود دارند ولی هیچ کدام هنوز قابلیت خود را به عنوان مترجم آثار ادبی به منصفه ظهور نرسانده اند) . از این رو

به جای آنکه ترجمه آثار از زبان اصلی افزایش یابد دارد - کاهش می‌یابد . با مرگ مهری آهی نسل پیشین روسی دانهای توانا (کاظم انصاری ، کریم کشاورز ، یحیی آریانیپور و غیره) کم و بیش منقرض شد و نسل روسی دانهای جوانتر هم هنوز توانایی خود را نشان نداده است . ترجمه های تازه ای که از آثار داستایفسکی و تولستوی و حتی شولوخف به بازار آمده همه از مسیر زبان انگلیسی بوده است .

ترجمه رمانهای دشوار و هنری هم در این میان فراموش نشده است . جمعی به کشتی گرفتن با آثار جیمز جویس و مارسل پروست مشغولند تا چه به بار آورند و کدام ناشران آماده " خطر کردن باشند . اگر ضد خاطرات (آندره مالرو / ابوالحسن نجفی - رضا سید حسینی) را نمونه ای از این دست رمانهای دشوار بدانیم ترجمه آن تجربه موفق بود . ناشر آن هم باید رضای باشد . البته فروش وسیع همیشه متعلق به رمانهای سبک تر و پیر خواننده ای چون شبهای سرای و ستاره هند (هر دو از میشل دوگرسی / عبدالرضا هوشنگ مهدوی) است .

این بررسی کشور به کشوره و قاره به قاره را همچنان می‌توانیم ادامه دهیم ولی یادداشت های کوتاه سردستی که در زمان معینی هم باید تحویل داده شوند زود به انتها می‌رسند و حکایت همچنان باقی است . باید در پایان سفره را جمع کنیم و نتیجه ای بگیریم . پس به طور خلاصه بگوییم :

- بازار رمان را خریداران کتاب مخصوصا " خانمها گرم نگاه داشته اند .

- فروش رمان ایرانی هم خوب است و کم کم بعضی از موفق ترین نویسندگان می‌توانند امدوار باشد که چرخ زندگی را به کمک حق التالیف کتابهای خود بگردانند ، به شرطی که ناگهان بحران کاغذ و مواد دیگر همه چیز را متوقف نکند .

- موفقیت کتابهایی چون کلیدر نویسندگان و ناشران را نسبت به رمانهای پر حجم خوشبین ساخته است . پس در ماهها و سالهای آینده باید منتظر نشر رمانهای قطور ایرانی و غیر ایرانی باشیم .

- ناشران دولتی چون شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (وارث عناوین نگاه ترجمه و نشر کتاب) و سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (وارث حقوق نشر موسسه انتشارات فرانکلین) از نشر رمان خودداری می‌کنند . بنابراین فعلا " میداندار طبع و نشر رمان ناشران بخش خصوصی هستند .

- ناشران رمانهای واقعا " پرفروش می‌توانند به تیراژ بالقوه " سی تا پنجاه هزار نسخه چشم بدوزند ، و اگر بتوانند کتاب را در قطع جیبی یا جیب پالتویی تجدید چاپ کنند پنجاه تا صد هزار نسخه آن را هم در قطع جیبی بفروشند . اندازه " بازار رمان در حال حاضر در این حدود است .